

فرصتی که سپری شد

سرانجام زمستان ۱۳۹۰ فرا رسید و با سرمای خود تب و تاب شیمی دوستان جهان را آرام آرام فرونشاند. سال جهانی شیمی پایان یافت و از آن همه تلاش جمعی و فردی در سراسر جهان تنها نقشی به یادگار ماند. «شیمی - زندگی ما، آینده ما».

اما در میان این همه سهم ما ایرانیان چیست؟ دیگران بمانند، ما در سال جهانی شیمی برای خودمان چه کردیم؟ سالی که یکی از مهم‌ترین هدف‌های آن ایجاد انگیزه در نسل جوان بود. جوانانی که آینده‌ساز این کشور هستند و سالانه میلیون‌ها نفر از آنان وارد دوره متوسطه می‌شوند. جوانانی که ایجاد شور یادگیری و لذت آموختن درس شیمی در آنان برعهده ماست. طی این یک سال برای این فرزندان عزیز خود چه کرده‌ایم؟ از خودمان شروع کنیم. آیا به عنوان یک معلم شیمی از وجود چنین سالی برای گرامی‌داشت دانش شیمی در سطح بین‌المللی و هدف‌های آن آگاه بودیم؟ اگر آری، در کلاس درس به دانش‌آموزان خود چه گفتیم؟ چه برنامه‌هایی در مدرسه برای آن‌ها طراحی و اجرا کردیم؟ آیا مسئولان مدرسه را از برنامه‌های خود و ضرورت اجرای آن‌ها در مدرسه با خبر کرده بودیم؟ واکنش آن‌ها چه بود؟ چه قدر در اجرای برنامه‌ها شما را یاری دادند؟ خلاصه این که در این سیصد و شصت و چند روز موفق به انجام کاری هر چند کوچک برای ارج نهادن به درس شیمی در تحقق هدف‌های سال جهانی شیمی شدید؟ پاسخ شما به این پرسش‌ها چیست؟ چه نمره‌ای به خودتان می‌دهید؟

در گفت‌وگو با بسیاری از معلمان شیمی کشور چه رودرو و چه از طریق تلفن یا پست الکترونیکی به این نتیجه رسیدیم که البته نه همه آن‌ها بلکه شمار بی‌شماری در این تلاش ناکام بوده‌اند و به خود نمره قبولی نمی‌دهند. عده‌ای می‌گفتند به دلیل ضعف اطلاع‌رسانی در مدرسه و اداره آموزش و پرورش محل کارشان از برنامه‌های این سال خبر نداشته‌اند. برای بسیاری از شرکت‌کنندگان در هفتمین کنفرانس آموزش شیمی ایران که در دانشگاه زنجان برگزار شد، این پرسش به‌طور جدی مطرح بود که چرا اداره‌های آموزش و پرورش بیش‌تر استان‌ها، آن‌ها را از وجود این همایش ملی آگاه نکرده بود. افزون بر این، همین اداره‌ها برای علاقه‌مندان به شرکت در این کنفرانس از صدور یک حکم مأموریت آن‌ها بدون پراخت حق مأموریت نیز دریغ کرده بودند. این در حالی است که شمار اندکی از استان‌ها نه تنها معلمان شیمی خود را به حضور و شرکت فعال در کنفرانس تشویق کرده بودند، بلکه پرداخت هزینه رفت‌وآمد و اسکان و تغذیه تعدادی از آنان را نیز برعهده گرفته بودند. دست‌کم در یک مورد هم یکی از مسئولان اداره کل طی تماسی تلفنی با دبیرخانه کنفرانس از امکانات محل اسکان و کیفیت غذای کنفرانس پرس‌وجو کرده بود، تا به این وسیله از مناسب بودن شرایط برای معلمانشان اطمینان پیدا کند. این دوگانگی را چگونه می‌توان توضیح داد؟

اگر همه مسئولان آموزش و پرورش کشور دغدغه بهبود کمی و کیفی آموزش شیمی را داشتند و به ارتقای سطح مهارت‌های حرفه‌ای معلمان شیمی خود می‌اندیشیدند، بی‌تردید از

فعالیت‌های طراحی شده توسط علاقه‌مندان به دانش شیمی به ویژه معلمان و دانش‌آموزان به طور گسترده حمایت می‌کردند باز هم شاهد مشارکت اندک معلمان شیمی کشور در هفتمین کنفرانس آموزش شیمی ایران بودیم؟ کنفرانسی که پس از نزدیک به پنج سال وقفه و با همت انجمن شیمی ایران و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی احیا و اجرا شد.

بی‌تردید اگر فعالیت‌های دفاتر زیرمجموعه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در سال جهانی شیمی را نادیده بگیریم، نمره برخی بخش‌های وزارت آموزش و پرورش در این اقدام جهانی چندان مطلوب نیست. اگرچه برخی اداره‌های آموزش و پرورش شهرستان‌ها به‌طور خودجوش و بر مبنای علاقه شخصی برخی مسئولان و همت معلمان شیمی خود با برگزاری جشن‌هایی به گرامی‌داشت سال جهانی شیمی اقدام ورزیده بودند اقدامی که واقعاً شایسته تقدیر است. اما آیا شایسته نبود که سکان برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای فعالیت‌های سال جهانی شیمی را معاونت آموزشی وزارت متبوع برعهده می‌گرفت؟ آیا بهتر نبود که با فعال کردن دبیرخانه راهبری درس شیمی و اختصاص بودجه‌ای ویژه به تشویق همکاران فعال در این دبیرخانه اقدام می‌شد؟ دبیرخانه‌ای که به دلیل محدودیت‌های متعدد و از جمله محدودیت مالی از ارسال پوستره‌های هفتمین کنفرانس آموزش شیمی ایران به سراسر کشور نیز عاجز بود! به واقع چه کسی پاسخ‌گوی این همه اهمال است؟ به عنوان کسی که بیش از بیست سال عمر خود را در راستای بهبود کمی و کیفی آموزش علوم تجربی به‌ویژه درس شیمی در کشور صرف کرده است و تقریباً به بسیاری از محدودیت‌های موجود در سامانه عریض و طویل وزارت متبوع واقف است. درک این همه بی‌تفاوتی دشوار و رنج‌آور است. اگر از حجم مکاتبات با عالی‌ترین مقامات وزرات‌خانه و ساعات مراجعه و انتظار در دفاتر آنان آگاه نبودم؛ اگر از تلاش و پی‌گیری رئیس محترم انجمن شیمی ایران برای اختصاص روزی ملی برای گرامی‌داشت سال جهانی شیمی در مدارس کشور خبر نداشتم؛ اگر از برنامه‌های رادیو-تلویزیونی متعددی که با همکاری صمیمانه و قابل تقدیر صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در شبانه‌روز برای آگاهی عمومی بویژه اطلاع‌رسانی به مسئولان چیزی نمی‌دانستم، هرگز چنین لب به گلایه نمی‌گشودم و قلم را بی‌محابا بر کاغذ نمی‌کشیدم. شاید با ثبت و نشر این گلایه‌ها، آگاهی همه‌جانبه و مسئولیت‌پذیری در همه سطوح مدیریت آموزشی کشور گسترش یابد و سر و بدن یک سامانه هماهنگ با هم به تلاشی ثمربخش اقدام ورزند.

بگذریم، فرصت سپری شد و سال بی‌نظیر به‌سر آمد. ولی امید هم‌چنان زنده است. امیدواریم از این خواب غفلت بیدار شویم و چون موجودی هوشمند و سرشار از زندگی به آینده بیندیشیم، فرصت‌هایی دوباره بیافرینیم و این بار به تمام و کمال از آن بهره‌جوییم. این ناکامی‌ها را به باد فراموشی بسپاریم ولی بی‌تفاوتی‌ها و بی‌مسئولیتی‌های بانی آن‌ها را از یاد نبریم. به واقع از گذشته درس بگیریم تا در آینده چنین فعل نامیمونی را دوباره تکرار نکنیم.

سردبیر